

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبرکوتاه

مقام مادر

جلسه دوم

↓ کانال فیش منبرومرثیه درایتا ↓

<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = عرضه در سایت طلبه یار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين...

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن...

تو که به گوشه قلب شکسته جا داری به دردهای دل

خسته ام دوا داری

ز داغ عشق تو میسوزم و نمیدانم هنوز لطف به

این عبد بینوا داری

به راه وصل تو راهی هر دیار شدم اشاره ای کن و

گو جا در کجا داری

صفای عالم هستی به دل صفائی ده تو که به وسعت

کون و مکان صفا داری

به خاک زیر کف پای خود نگاهی کن تو که نگاه دل

انگیز کیمیا داری

عیادتى كه به

مريض عشق توام اى طيب خسته دلان

همراه خود شفا دارى

يك تشرف به محضر امام زمان (عليه السلام):

ابوسعيد كابلې گوید: برای رسیدن به محضر امام زمان (عليه السلام)

زحمت زيادى كشيدم مدتى در مدينه منوره اقامت كردم در آنجا با

يحيى ابن محمد عريضى كه از بنى هاشم بود آشنا شدم او به من گفت:

حضرت در فلان محل بنام صريا است اگر بخواهى حضرت را زيارت

كنى به آنجا برو.

به طرف صريا حرکت كردم به همان آدرس داده شده. آمدم به خانه اى

رسيدم دم در آن خانه به انتظار نشستم غلامى بيرون آمد ابتدا مرا از

نشستن آنجا نهى كرد گفتم: نميروم تا صاحب اين خانه را زيارت كنم

هرقدر اصرار كرد نپذيرفتم تا اينكه به داخل خانه رفت و بيرون آمد و

به من اشاره كرد داخل شو. وقتى داخل خانه شدم مولاييم را زيارت

كردم كه در وسط خانه نشسته اند به آنحضرت سلام كردم پاسخ سلام

مرا عنايت فرمودند و با اسم محلى من كه در كابل فقط ميشناختند مرا

خواندند. بعد از زیارت حضرت، خرجی سفرم را از دست مبارکشان گرفتم و مرخص شدم سال بعد به امید زیارتش آمدم ولی آن خانه خالی بود و کسی را ندیدم.

یابن الحسن خرجی سفر دنیا و آخرت ما محبت توست که خدا روزی ما فرموده است این خرجی را از ما نگیر و روز به روز به آن بیفزای صاحب الزمان . یا صاحب الزمان (عبقری الحسان ص ۵۰)
بحث ما در رابطه با مقام مادر بود.

سؤال این بود که آیا مقام مادر بالاتر است یا مقام پدر؟ عرض شد از آیات و روایات استفاده می‌گردد که مقام مادر بالاتر است به چند روایت اشاره شد در این مجلس نیز با استفاده از روایاتی دیگر بعنوان شاهد این امر عرائضی را تقدیم حضور میکنیم:

مطلب اول:

اینکه مادر بدلیل زحمات و رنجهای فراوانی که کشیده صاحب حق میشود و حق او سنگین تر از حق پدر است و با هیچ عملی در دنیا نمیتوان حق او را تمام و کمال ادا کرد.

برخی فکر میکنند با کمی رسیدگی و احسان و احترام میتوانند حق مادر ادا کنند در پاسخ به این دسته از افراد به یک روایت اشاره میکنیم:

روایت: سید قطب در تفسیر خود نقل میکند که: مردی مشغول طواف خانه کعبه بود و مادرش را بر دوش گرفته بود رسول اکرم را در همان حال مشاهده کرد آمد نزدیک. عرض کرد: یا رسول الله، این مادرم است چند سال است مریض و علیل است خودم غذا درست میکنم و در دهان او میگذارم خودم او را شستشو میدهم. لباس هایش را میشویم و به او خدمت میکنم امسال هم وقت آمدن به حج برای آمدن به همراه من اصرار کرد یک مرکب بیشتر نداشتم او را سوار مرکب خودم کردم و خود پیاده مرکب مادرم را میکشیدم مرکب را دم در مسجدالحرام گذاشتم مادرم را به دوش گرفتم و طواف میدهم آیا حق او را ادا نموده

ام ؟

توقع داشت رسول اکرم بفرماید: بله حتی زیادش هم هست.

اما حضرت فرمودند: نه. حتی جبران یکی از ناله های او را به هنگام وضع حمل نمیکند.

شاید کسی بگوید سال ها دارد به او خدمت میکند چطور جبران یک ناله را نکرده است؟

دلایلی دارد، به دو دلیل عنایت فرمایید :

دلیل اول: اگر مادر به فرزندش خدمت میکرد او را تر و خشک میکرد و با یک دنیا عاطفه شیر میداد و می خوابانید از روی علاقه بود اما خدمات فرزند از روی اجبار است مجبور است به مادرش خدمت کند یا کسی دیگر ندارد یا از حرف مردم می ترسد. علاقه کجا و اجبار کجا. عبادت با عشق کجا و عبادت اجباری کجا؟

دلیل دوم: اگر مادر به فرزندش خدمت میکرد بعد از همه خستگی ها باز فدایی اوست مدام می گوید مادر فدات بشود عزیز دلم گریه نکن.

اما این فرزند اگر به مادر خدمت میکند بعد از خسته شدن تقاضای مرگ او را می نماید که خدایا عزرائیل را بفرست و جان این پیر زن را بگیرد خسته شدم.

مطلب دوم: دعای مادر زودتر مستجاب می گردد.

در روایات متعدد اشاره شده که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برای رفع گرفتاری افراد امر فرمودند که مادرت برایت دعا کند اما در جامعه ما وقتی شخصی برایش مشکلی ایجاد میشود به همه التماس دعا میگوید به همسایه به بقال به رفیق به آشنا غیر از مادرش که مثل اینکه برای خود عار میداند که به مادرش بگوید مادر جان برای من دعا کنید تا خدا مشکل مرا با دعای شما حل فرماید

یا اینکه به جای اینکه از دعای مادر برای حل مشکل استفاده کند سراغ فال گیر و دعا نویس میرود که آنان نیز قدرتشان مانند دعای مادر کارساز نیست و الا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برای حل مشکل موارد متعدد امر به نوشتن دعا می فرمودند.

یک نمونه استجابت دعای مادر:

موسی(علیه السلام) از خداوند متعال سؤال کرد همنشین من در بهشت چه کسی است؟ (شاید توقع داشت آدرس پیامبری را به او بدهد)

خطاب رسید: جوان قصابی است در فلان محله بنی اسرائیل . آدرس را گرفت آمد جوان قصاب گوشت ها را فروخت و مقداری گوشت

برداشت که برود موسی (علیه السلام) جلو آمد و سلام کرد و با او به

منزل جوان آمد دید زنبیلی را از وسط اتاق پایین آورد و پیرزنی را از

آن خارج کرد و به رسیدگی نمود و او را غذا داد و بعد آن پیرزن دعایی

کرد که مفهوم نبود دوباره او را داخل زنبیل گذاشت موسی (علیه

السلام) از جوان سؤال کرد: این کیست؟ عرض کرد: مادرم است او را

رسیدگی میکنم برای اینکه از گزندگان در امان باشد او را داخل این

زنبیل گذاشته ام وقتی او را رسیدگی میکنم یک دعا میکند که دلم به

این دعایش خوش است . حضرت فرمود: او چه دعایی میکند؟ عرض

کرد: میگوید:

غفرالله لك و جعلك جلیس موسی فی قبه و درجته

خدا تو را پیامرزد و تو را همنشین موسی قرار دهد

موسی (علیه السلام) فهمید که این همنشینی بخاطر مستجاب نمودن یک دعای مادر است.

مطلب سوم: نفرین مادر بسیار سنگین و سهمگین است.

در میان مردم شایع است که نفرین مادر گیرا نیست و شیر او مانع از نفرین او میگردد و نفرینش کارگر نیست اما اینان اشتباه میکنند هم دعای مادر مستجاب است هم نفرین مادر گیرایی قوی دارد.

به این روایت توجه فرمایید:

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در مسجد بودند جبرئیل نازل شد عرض کرد: یا رسول الله خدا سلام میرساند میفرماید: به بقیع بروید من می خواهم به برکت قدمهای شما تمام مسلمانان خفته در بقیع را مورد لطف و مغفرت خود قرار دهم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) راه افتادند عده ای هم به دنبال حضرت می آمدند به بقیع آمدند و میان قبور با ذکر و طلب مغفرت عبور میکردند که رسیدند به یک قبری.

حضرت کنار قبر ایستادند ذکر گفتند رنگ حضرت تغییر کرد،

عرض کردند: یا رسول الله چه شده؟ حضرت فرمود: جوانی است در این قبر، فریاد میزند :

فوقی نار ، تحتی نار ، عن یمینی نار ، عن یساری نار ، الامان الامان یا رسول الله

بالای سرم آتش است، پایین پاهایم آتش است ، سمت راستم آتش

است، سمت چپم آتش است یا رسول الله به فریادم برس، حضرت

فرمود: صاحبان این قبر را نمی شناسید؟ عرض کردند: نه. حضرت

فرمود: خبر کنید هر کس این قسمت مرده دفن کرده بیاید مردم مدینه

را خبر کردند هر کس کنار قبر ایستاد تا اینکه پیرزنی عصا زنان آمد و

آمد کنار قبر و به پیامبر سلام کرد و ایستاد.

حضرت فرمود: مادر، این قبر کیست؟ عرض کرد: قبر پسر من است و

نفرین کرد که:

خدایا لحظه به لحظه عذابش را زیاد کن

حضرت فرمود: مادر چرا جوانت را نفرین میکنی؟ عرض کرد: خیلی مرا اذیت کرد مرا کتک میزد.

آقا فرمودند: بیا از او بگذر. عرض کرد: نمیتوانم چون مرا سیلی میزد خیلی اذیتم کرد باز نفرین کرد.

جبرئیل نازل شد عرض کرد: یا رسول الله، خدا میفرماید: به این مادر بگو: گوشش را روی قبر قرار بدهد من صدای جوانش را به گوشش برسانم تا بگذرد.

حضرت فرمود: مادر گوش خود را روی قبر جوانت قرار بده بین دارد ناله میکند وقتی گوش را روی قبر گذاشت صدای ناله فرزندش را میشنید که امان میخواست، مادر سر را از روی قبر بلند کرد اما گریه کنان و اشک ریزان عرض کرد: یا رسول الله با اینکه خیلی مرا اذیت کرد من او را بخشیدم

نکته: این عاقبت نفرین مادر است حال اگر رسول اکرم آن روز به بقیع

تشریف نیاورده بودند تا کی بنا بود این جوان با نفرین مادر در قبر

بسوزد

پس نفرین مادر گیرا است و رد نمی‌شود.

پایگاه منبرها